مجله:خُلُق-بهمن و اسفند 1386 - شماره 3

**شمیم خُلق حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و سلم**

**نویسنده : حسن رجبیان ، صفحه 34**

کلمات کلیدی ماشینی:

اخلاق، باب فضل الصلاة علی النبی، حضرت ختمی‌مرتبت صلی‌الله‌علیه‌و‌آله، مکارم، سلامت، مکارم اخلاق و فضیلت، رسول مطهر اسلام صلی‌الله‌علیه‌و‌آله،

در شمارة پیشین، پنجره ای از فکر برگوشه ای از منظر اخلاق نیکوی رسول مطهر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم گشودیم و از عطر دلاویز سیرة آن حضرت در راه رفتن و نظر کردن، مشام جان را معطر ساختیم، و اکنون نظر دقّت بر سیره ای دیگر از سنّت حسنة آن مودَّب به اخلاق الله می افکنیم.

سیرة آن حضرت در سلام کردن

هر کس را می دید، به سلام مبادرت می کرد.1

بر اطفال و زنان، سلام می کرد.2

سلام، یکی از نام های مقدس خداوند متعال است.3 ذات مقدّس او از هر عیب و نقص در سلامت است و دوست می دارد بندگانش از قید و بند عیب ها و نقص ها رها شوند و به سوی کمال که سلام و سلامتی از کاستی ها است رهسپار شوند؛ در حالی که سرتاسر حیاتشان سلام باشد که فرمود:

) وَ سلَمٌ عَلَیْهِ یَوْمَ وُلِدَ وَ یَوْمَ یَمُوت وَ یَوْمَ یُبْعَث حَیًّا (4

سلام بر او! روزی که تولد یافت و روزی که می میرد و آن روز که زنده برانگیخته می شود.

از این رو، سفیر پاک خویش ـ صلی الله علیه و آله و سلم ـ را مبعوث فرمود تا شجرة آدمیّت را در مکارم اخلاق و فضائل و کمالات به ثمر بنشاند که فرمود:

بعثت لأتمّم مکارم الأخلاق؛5

مبعوث شدم تا مکارم اخلاق را تمام سازم.

از جملة مکارم اخلاق و فضائل و آداب، افشاء، نشر و گسترش سلام است.

سلام یعنی انسان، خود سالم باشد، اعضا و جوارحش از عیوب ظاهری و باطنی سالم باشد؛ دستش سالم از جنایت، چشمش سالم از خیانت، زبانش سالم از ناحق گویی و پایش سالم از کج روی و تعدّی و تجاوز، و خلاصه به حقیقت و راستی مُسلِم باشد که فرمود:

المُسْلِم مَنْ سَلِمَ المُسْلِمون مِنْ یدهِ و لسانِهِ6

مسلمان، آن کسی است که مسلمانان از دست و زبانش در سلامت باشند.

اما باید دانست که فرمانروای کشور تن، قلب است و تا قلبِ انسان، سالم نباشد، سلام و سلامت اعضا ممکن نیست که «از کوزه همان برون تراود که در اوست».

و نجات بشر از عقبات قیامت و گرفتاری عرصات محشر، تنها در گرو آن است که قلبی سالم از غیر خدا و خالی از صفات رذیله و ناپسند را به درگاه مالک روز جزا آورد.

) یَوْمَ لا یَنفَعُ مَالٌ وَ لا بَنُونَ \* إِلا مَنْ أَتی اللهَ بِقَلْبٍ سلِیمٍ (7

در آن روز که مال و فرزندان سودی نمی بخشد \* مگر کسی که با قلب سلیم به پیشگاه خداوند آید.

از این رو باید در تصفیه قلب از کدورات و زشتی ها کوشید؛ لجن های نفاق را از دل زدود8 و کثافات حسد را شست وشو داد و خار و خاشاک کبر و نخوت را از دل گرفت و خاکروبه های حرص و تعلقاتِ دست و پاگیر را جاروب کرد، تا قلبی سلیم و درپی آن، اعضایی پاک و سالم داشت. آن گاه که چراغ پرفروغ سلام و سلامتی در وجود انسان مشتعل شد، به سالم سازی محیط پیرامون خویش می پردازد و همه جا را به نور سلام و سلامت خود روشنایی می بخشد؛ از این رو پیام آور اسلام ـ صلی الله علیه و آله و سلم ـ فرمود:

خیرکم من اطعم الطعام و أفشی السلام و صلّی باللیل و الناس نیام.9

بهترین شما کسی است که اطعامِ طعام کند و افشای سلام نماید و در حالی که مردمان در خوابند، نماز گزارد.

آری، او که خود سید المسلمین است، سیرت و سنتّش این بود که در سلام کردن، از همگان پیشی می گرفت و بر اطفال و زنان نیز سلام می کرد.

البته باید توجه داشت هدف از سلام کردن، ایجاد و نشر سلام و سلامتی و رهایی از همه بند های شهوانی و نفسانی و دنیوی است؛ از این رو وقتی مطلوب و اثر بخش است که همراه نیّت پاک و مصفا باشد؛ بدین سبب پیشوایان معصوم علیهم السلام آداب سلام را - آنگونه که باید - به ما آموخته اند، چنانچه در حدیث است:

رسول خدا ـ صلی الله علیه و آله و سلم ـ بر زنان سلام می کرد و آنان جواب می دادند، و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بر زنان پیر سلام می کرد و از سلام کردن بر زنان جوان کراهت داشت و می فرمود: «می ترسم از او خوشم آید و بیشتر از ثوابی که از سلام کردن می طلبم، گناه بر من وارد شود.10

محدث عالی مقدار و عارف به احادیث و اخبار، علامة بزگوار مجلسی ـ قدس سره ـ در ذیل این حدیث می فرماید: این ها را برای تعلیم دیگران می فرموده اند و خود، از امثال این ها معصوم و منزّه بوده اند. 11

آری؛ به ما آموخته اند که سلام، برای سلامت و عافیت است و هر جا رنگ و بوی آلودگی به خود گرفت، دیگر سلام نیست.

این جا به همین مقدار بسنده می کنیم و -انشاء الله- در آینده به گوشه ای دیگر از آداب این سیرة حسنه از امرای اسلام و ائمة کرام ـ علیهم السلام ـ می پردازیم.

**پی نوشت ها:**

ــــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . منتهی الامال، ج1، در تاریخ حضرت ختمی مرتبت (ص)، فصل چهارم، ص54.

2 . همان، ص60.

3 . سوره حشر: 34 (هو الله الذی... السلام المؤمن...) و نیز در دعاها آمده: «أللّهم أنت السلام و منک السلام و لک السلام و إلیک یعود السلام» (مفاتیح الجنان، تعقیبات مشترکه).

4 . سوره مریم: 15.

5 . بحارالانوار، ج67، ص372، باب 59، ذیل حدیث 18 و ج68، ص373، باب 92، حسن الخلق ذیل ح1؛ مستدرک الوسائل، ج11، ص187، باب استحباب التخلق بمکارم الاخلاق و ذکر جملة منها.

6 . وسائل الشیعة، ج12، ص278، باب 152، تحریم اغتیاب المؤمن، ح1؛ بحارالانوار، ج74، ص73، باب 3، ما أوصی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم الی امیرالمؤمنین علیه السلام.

7 . سوره شعراء: 88-89.

8 . بهترین چیزی که نفاق را از دل می برد و به نور خدا مصفایش می سازد صلوات بلند بر حضرات محمد و آل محمّد صلی الله علیهم اجمعین است چنانچه رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: إرفعوا أصواتکم بالصلاة علیّ فإنّها تذهب بالنّفاق.» «صدایتان را به صلوات بر من بلند گردانید که این کار، نفاق را از دل می برد.» بحارالانوار، چاپ بیروت، ج91، ص59، باب فضل الصلاة علی النبی و آله صلی الله علیهم ، ح41؛ اصول کافی، ج2، کتاب الدعاء، باب 20، الصلاة علی النبی محمد و اهل بیته علیهم السلام ؛ القطره، ج1، ص106، باب فضل الصلاة علی النبی و آله، حدیث 7.

9 . شیخ صدوق قدس سره، خصال، ج1، ص103، ترجمه سید احمد فهری، چاپ انتشارات علمیه اسلامیة.

10 و 11. علامة مجلسی قدس سره، حلیة المتقین، باب یازدهم آداب مجالس، فصل اوّل در فضیلت سلام و آداب آن، ص238.